

## تحلیل مردم‌شناختی مناسک مذهبی در فرایند جهانی‌شدن

### (مطالعه موردی مناسک قالی‌شویان مشهد اردهال)

کریم خان محمدی\*

#### چکیده

در سطوح بالای فرهنگ، با توجه به فرایند جهانی‌شدن، یک نوع همگونی جهانی مشاهده می‌شود؛ لیکن مطالعه جوامع، با رویکرد ارتباطات میان فرهنگی، رشد محلی‌گرایی و جوانه زدن ناهمگونی در سطوح زیرین فرهنگ را نشان می‌دهد. نگارنده با مطالعه موردی نظام معنایی مناسک سنتی قالی‌شویان در مشهد اردهال کاشان، ضمن گزارشی اجمالی از مناسک، در دو سطح آشکار و پنهان به معناکاوی مراسم می‌پردازد. در سطح آشکار، معنای رفتار کنشگران بر اساس پندار خودشان بازگو می‌شود. در سطح پنهان، معنای هویت‌بخشی مناسک و چگونگی همسازی با محیط در زمان‌های گذشته و عصر حاضر بیان می‌گردد و نشان داده می‌شود که این مناسک نه تنها در عصر ارتباطات تضعیف نگشته، بلکه معنای هویتی آن از سطح ملی به سطح جهانی ارتقا یافته و در نتیجه، پررونق‌تر شده است.

کلیدواژه‌ها: مشهد اردهال، قالی‌شویان، جهانی‌شدن، ارتباطات میان فرهنگی، هویت.

\* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات و عضو هیئت علمی دانشگاه بافرالعلوم مشهد.

## مقدمه

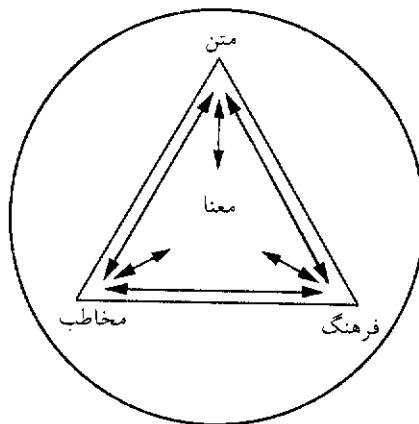
جهانی شدن از ابعاد مختلفی برخوردار است. متفکران، هر کدام به تناسب رشته تحصیلی و پیش زمینه‌های فکری خود، به بُعد خاصی از آن توجه می‌کنند. در عصر کنونی، با پیشرفت فناوری اطلاعات، حوادث و مناسک بومی اقوام مختلف، مورد ارزیابی جهانی قرار می‌گیرد. بُعد ارتباطی جهانی شدن، به مفهوم اطلاع از حوادث بومی و قضاوت در رابطه آنها از سوی جهانیان، در این مفهوم مفروض است. (خان‌محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۴-۲۵)

در این مقاله، با بررسی مردم‌شناختی «مناسک قالی‌شویان مشهد اردهال»، درصدد پاسخ به این سؤال‌ها هستیم:

۱. در سال‌های اخیر، این مناسک سنتی دیرینه، چه تغییراتی را تجربه نموده است؟

۲. آیا فرایند جهانی شدن به ذوب نمودن این گونه مناسک می‌انجامد یا این‌گونه مناسک در فرایند رشد ارتباطات تقویت می‌شوند؟

در پاسخ به سؤالات فوق، سه نوع رابطه متصور است: تقویت، تضعیف و رابطه صفر (عدم همبستگی). مطالعه مناسک از طریق مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد مکتوب، می‌تواند شواهدی بر ماهیت و جهت تغییر ارائه نماید. با مطالعه پدیده‌های فرهنگی با رویکرد ارتباطات میان فرهنگی (Inter Cultural Communication)، بسدین نتیجه رهنمون می‌شویم که ارتباطات میان فرهنگی جهانی (global Communication) ضد جهانی شدن است و بومی‌سازی مجدد را تقویت می‌نماید. (بیشین، ص ۲۶) در این رویکرد با یک نظام معنایی پیچیده‌ای مواجه هستیم که از سه زاویه: فرهنگ، مخاطب و متن، به عنوان عناصر موجد معنا، تشکیل یافته است.



با توجه به مدل بالا،\* متن از فرهنگ و مخاطب ناشی می‌شود و معنا را می‌سازد. پس ما با عقلانیت خالص «کاتی» مواجه نیستیم، بلکه با عقل میان فرهنگی مواجهیم. به عبارت دیگر، با عقلانیت‌های مختلف مواجهیم. بدین ترتیب، جهانی‌سازی (Globalism) با توجه به رویکرد تحلیلی میان فرهنگی نمی‌تواند موفق باشد. فرایند جهانی‌سازی دو لایه دارد. با جهانی شدن سطوح بالای متون فرهنگ، لایه‌های زیرین «هویت‌گرایی» و «محلی‌گرایی» جوانه

می‌زنند. (فیاض، ۱۳۸۴؛ کلاس درس)

مطالعه موردی پدیده قالی شویان مشهد اردهال، نمونه‌ای از رویکرد فوق را روشن می‌سازد.

معنا با تعامل سه ضلع مثلث (فرهنگ، متن و مخاطب) از مکانیسم بازسازی برخوردار و به تناسب تغییرات محیطی، بازتولید می‌شود. یکی از عناصر اساسی هویت‌های محلی، «غیرت» سازی است. اسطوره «غسل قالی» نیز از این اصل بهره‌مند است. در فرایند جهانی‌شدن، ممکن است عناصر یک هویت دگرگون شوند ولی اصل مناسک و عنصر اساسی آن یعنی «غیرت» از بین نمی‌رود، بلکه مصادیق آن تغییر پیدا می‌کند.

\* مدل از دکتر ابراهیم فیاض اخذ شده است.

### گزارش مراسم قالی‌شوویان

مراسم قالی‌شوویان یا غسل قالی در دومین جمعه مهر ماه هر سال شمسی در دهستان اردهال - واقع در شمال غربی قمصر و ۴۹ کیلومتری شرق کاشان - انجام می‌گیرد. روستای اردهال - که امروزه به مناسبت شهادت علی بن باقر علیه السلام در آن، به مشهد اردهال شهرت دارد - در کنار رشته کوه‌های اردهال قرار گرفته و از چشم‌انداز خوبی برخوردار است. اردهال مرکب از دو واژه «ارد» به معنای پاکی و تقدس و «هار» به معنای کوه و رشته کوه است، که نشانگر دیرپا بودن «زیارتگاه» واقع در این رشته کوه‌ها است. (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰، ص ۱۱)

مراسم قالی‌شوویان در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۸ با حضور ۲۰/۰۰۰ نفر مرد و زن از شهرها و روستاهای ایران، به ویژه روستاهای حاشیه کویر، برگزار شد. معمولاً اجرای مراسم توسط اهالی فین و خاوه صورت می‌گیرد و بقیه مردم در حاشیه مراسم حضور می‌یابند و از آن بهره‌مند می‌شوند. به گفته مصاحبه شوندگان، حدود ۱۵۰۰ نفر از اهالی فین کاشان، در تاریخ ۱۳۸۴/۷/۷ ساعت هفت صبح، پای پیاده، از فین به راه افتادند و حسین - حسین گویان به مشهد اردهال رسیدند تا آماده اجرای مراسم شوند و روزجمعه مراسم را به نحو احسن به انجام رسانند. پیمودن فاصله ۵۲ کیلومتری کاشان - اردهال با پای پیاده، نشانه ارادت اهالی فین به امامزاده سلطانعلی است. قطع نظر از عدم دقت و غلو برخی در ارائه آمار، به نظر می‌رسد حتی حضور حدود پانصد نفر از جوانان فینی در این مراسم از شکوه و عظمت این مراسم نمی‌کاهد. بقیه اهالی یک روز قبل یا صبح روز جمعه با وسیله نقلیه در مراسم حضور پیدا می‌کنند.

اهالی فین علیا و سفلی، جهت اجرای مراسم، چماق‌ها و چوب‌های تراشیده شده‌ای حدوداً به ارتفاع ۱/۲۰ متر در دست می‌گیرند تا مناسک نمادین غسل قالی را انجام دهند. آنان در «سازده حسین» جمع شده، حسین - حسین گویان به

سمت بقعه امامزاده سلطانعلی علیه السلام راه می‌افتند. افراد در طول مسیر، چوب دستی‌های تراشیده سفید خود را بالای سر خودشان تکان می‌دهند و با گفتن «یا حسین - یا حسین» در فاصله کمتر از یک کیلومتر میان دو امامزاده، صحنه هیجان‌آوری را ایجاد می‌کنند. سرانجام اهالی فین (چوب به دست‌ها) در میان جمعیت تماشاگر زن و مرد که همچون نگینی آنان را در برگرفته‌اند وارد صحن صفا (عتیق) در کنار مرقد امامزاده می‌شوند. آنان بعد از چرخیدن در صحن، با شعار «حسین - حسین» آرام گرفته، به سخنان واعظ گوش فرا می‌دهند. در سال گذشته، حجة الاسلام سید احمد خاتمی، از استادان حوزه علمیه قم، درباره تدین و ولایت‌مداری مردم این منطقه و حضرت سلطانعلی به سخنرانی پرداخت و روضه خواند. بعد از سخنرانی، یکی از مداحان اهل بیت ذکر مصیبت نمود. مرثیه خوانان امامزاده، ضمن الگوگیری از روضه امام حسین علیه السلام به لحاظ محتوایی، مجلس روضه را با روضه امام حسین علیه السلام ختم می‌کنند.

پس از مراسم خطبه و روضه‌خوانی، ریش سفیدان فینی، قالی مقدس را از متولّی حرم تحویل گرفته، به دست جوانان چوب به دست می‌سپارند. قالی، لوله شده و روی آن با پارچه سیاه پوشیده شده است. جوانان فینی می‌گویند: «وقتی ما قالی را می‌بینیم احساس می‌کنیم جنازه آقا داخل آن است. هیچ‌گاه احساس نمی‌کنیم که قالی، خالی است.» (سلمان آرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۷) جوانان فینی با دیدن «قالی»، چنان با شور و هیجان «حسین - حسین» می‌گویند که هر بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اکثر افراد حاضر، به ویژه اهالی منطقه، هنگام تحویل گرفتن قالی گریه می‌کنند.

فینی‌ها با بالا بردن و حرکت دادن چوب‌های دستی خود، با شعار «یا حسین - یا حسین» در میان صحن صفا و انبوه جمعیت حاضران، دور می‌زنند. در همین زمان جمعی از خواه‌های در داخل بقعه و در کنار ضریح قالی پیچیده شده، به

عزاداری می‌پردازند.

مردان فینی با هیجان شدید و قدم‌های تند و شتابان، که به هروله حضرت هاجر در سعی تشبیه شده، قالی یعنی نماد جنازه حضرت سلطانعلی را به سمت سرچشمه «سازده حسین» حرکت می‌دهند. هنگام حرکت دادن قالی، شور و هیجان، زیاد است. با نگاه محققانه، قومیت و طایفه‌گرایی در این جا قابل مشاهده است. گروه حمل‌کننده به دو دسته تقسیم می‌شوند و بین آنها فاصله می‌افتد که احتمالاً نشانگر تمایز فرقه‌ای است. خاوه‌ای‌ها سینه می‌زنند. فقط فینی‌ها چوب به دست‌اند. هیچ کس غیر از فینی‌ها حق چوب به دست گرفتن ندارد. در مراسم سال ۱۳۸۴ چوب به دست‌ها دو دسته شده بودند که به نظر می‌رسد نشانگر فین علیا و سفلی باشد. این تمایز نمی‌تواند صرفاً جزء مناسک باشد.

قالی نمادین را در حضور تماشاگران به کنار چشمه «سازده حسین» می‌برند و به زمین می‌گذارند. سپس نوک چوب‌ها را به آب زده، روی قالی می‌پاشند. این عمل به صورت نمادین به معنای غسل جنازه امامزاده سلطانعلی علیه السلام است که در قرن دوم هجری قمری، اجداد فینی‌ها به صورت واقعی آن را انجام دادند. پس از آن، قالی را روی دست می‌گیرند و چوب‌ها را بالای سر می‌چرخانند و حسین - حسین‌گویان، قالی را به سمت امامزاده علیه السلام حرکت می‌دهند. هنگام برگشت، از تعداد تماشاگران کاسته می‌شود و مجریان شور و هیجان قبلی را ندارند. عزاداران، قالی را در همان مسیر قبلی به سمت حرم می‌برند و به بزرگان و معتمدان خاوه که در انتظار پس گرفتن قالی‌اند، تحویل می‌دهند. خاوه‌ای‌ها قالی را تحویل گرفته، با احترام به خادمان آستانه می‌سپارند.

هنگام تحویل دادن قالی، شور و هیجان اولیه ایجاد شده در هنگام تحویل گرفتن آن، دوباره تجدید می‌گردد. لحظاتی قبل از تحویل، صدای یا حسین از جمعیت خسته، با آه و سوز به آسمان بلند می‌شود. اوج‌گیری احساسات در این

دو حالت، نشانگر عظمت مرحله گذار - مثل مرگ و تولد - برای انسان‌ها در طول تاریخ است که انسان‌شناسان فرهنگی از دیرباز بدان توجه نموده‌اند. نزدیک ظهر، مراسم پایان می‌یابد و جمعیت کم‌کم پراکنده می‌شود.

صبح جمعه بعد، یک هفته بعد از انجام مراسم، اهالی «نسلج» برای برگزاری مراسم هفتم شهادت حضرت سلطانعلی علیه السلام در آستانه گرد هم می‌آیند و تا نزدیک ظهر، به نوحه خوانی، سینه‌زنی و نخل‌گردانی می‌پردازند. هفته‌های بعد، اهالی دیگر آبادی‌ها و روستاهای اطراف مشهد اردیبهشت برای زیارت مشرف می‌شوند. (سلمانی آرنی، ۱۳۸۲، ص ۵۹)

### معنا کاوی مناسک

مناسک مذهبی، نمادین هستند و از سطوح معنایی مختلفی برخوردارند. این سطوح را می‌توان به دو سطح آشکار و پنهان تقسیم نمود. (کندال، ۲۰۰۰، ص ۳۴۲) سطح آشکار، معنا و مفهومی است که کنشگران برای رفتار خود قائل هستند. در عین حال، پدیده‌های اجتماعی همچون مناسک مذهبی ممکن است دارای معنا و مفهومی باشد که کنشگران بدان توجه نداشته باشند. این نوع معانی را عمدتاً انسان‌شناسان فرهنگی ادراک نموده، به رفتارهای اجتماعی نسبت می‌دهند. در واقع، سطوح معنایی عمیق، برچسب‌هایی است که محقق و ناظر بیرونی به مناسک مذهبی الصاق می‌کند. از این رو، پدیده قالی شویان در دو سطح معنا کاوی می‌شود: ابتدا، در سطح آشکار یعنی معنا و مفهومی که اهالی فین برای رفتار خود قائلند و در درجه دوم، معنا و مفهومی که با رویکرد جامعه‌شناسی تفهیمی و به عبارت دقیق‌تر، با انسان‌شناسی فرهنگی (Anthropology) یا مردم‌شناسی (Ethnology) قابل درک است.

### معنای آشکار مناسک قالی‌شویان

از آن‌جا که رویکرد ما «مردم‌شناختی» است، صحت و سقم ادعاهای کنشگران درباره معنای و مفهوم رفتارشان مورد بحث ما نیست. در این بخش، باورداشت کنشگران و صرفاً معنایی که آنان برای رفتارهای خود قائلند، توصیف می‌شود.

مردم فین کاشان که مذهب تشیع را پذیرفته بودند، به دلیل این‌که امام و پیشوا نداشتند، دو قاصد به نام‌های عامر بن ناصر و خواجه نعمان به مدینه نزد امام محمد باقر علیه السلام فرستادند و از او درخواست پیشوایی برای تعلیم اصول و احکام دین و هدایت و ارشاد کردند. (بنوک‌باشی، ۱۳۸۰، ص ۱۵) امام محمد باقر علیه السلام به عامر بن ناصر فرمود: «عامر، دوستان یک نفر را برای پیشوایی و هدایت خواسته‌اند، اما دلم گواهی نمی‌دهد که یکی را به آن ولایت بفرستم و دل از او بردارم. به ذهنم رسید با خدای تعالی مشورت کنم. اگر از خداوند عالم اشارتی باشد اجازت می‌دهم همراهت یکی روانه شود.» آن حضرت جدش پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دید که فرمود: «فرزند، دوستان ما قاصدی به طلب پیشوایی نزد تو فرستاده‌اند. باید خواسته نماینده آنان را اجابت کنی و دست رد به سینه آنان نگذاری تا در روز قیامت ایراد و مؤاخذه بر تو نباشد. نور دیده‌ام سلطان‌علی علیه السلام را همراه او روانه کن که مردم آن سامان او را زیارت کنند و از هدایت او بهره‌مند شوند و به آرزوهای خود برسند.» امام صادق علیه السلام اسباب سفر حضرت علی بن محمد علیه السلام را به فین و چهل حصاران فراهم آورد و ایشان روانه آن دیار شد. (توفیق، ۱۳۷۶، ص ۳۸)

هزاران نفر برای استقبال به بارکس (بارکرسب = بارکسف) آمدند و شبی در آن‌جا ماندند و روز بعد برای دیدار فرزند امام به‌خواه رفتند. آنان در خواه با او دیدار و احساسات پرشور خود را نسبت به وی و پدرش ابراز کردند. حضرت سلطان‌علی یک ماه در خواه و اطراف آن‌جا بود. مشتاقان



از هر سوی به دیدارش می‌شتافتند و از محضرش بهره‌ها بردند. سپس وی برای دیدار با دوستان و شیعیان، عازم فین و چهل حصاران شد و در آن‌جا استقرار یافت. او هر روز با یاران و پیروان خود دیدار داشت و روزهای جمعه نماز جمعه اقامه می‌نمود و تابستان‌ها که هوا گرم بود، به خاوه می‌رفت و در آن‌جا به ارشاد مردم می‌پرداخت. خاوه‌ای‌ها از سر شوق و محبت، مقداری از املاک و بوستان‌های خود را به او بخشیدند. (سلمان آرائی، ۱۳۸۲، ص ۴۴)

آن حضرت پس از گذشت یک سال (در سال ۱۴ ق.) نامه‌ای به پدر و برادر بزرگوار خویش نوشت و آنان را از وضعیت خود با خیر ساخت. برادرش امام صادق علیه السلام در جواب نامه، خبر شهادت پدر، (امام محمد باقر علیه السلام)، به دست هشام بن عبدالملک را به او داد و به او دستور داد تمام عواید و تملیک‌ها را صرف نیازمندان نماید. (پیشین)

حضرت سلطانه‌لی چند سال (به گفته اهالی، سه سال) در آن منطقه زندگی کرد. در اثر ارشاد وی، گروه زیادی از مردم به مذهب تشیع گرویدند و دورش گرد آمدند. نفوذ روزافزون آن حضرت در منطقه، حاکمان منطقه را به خوف و وحشت انداخت. در آن زمان، حکومت اردهال در دست حارث، ملقب به زرین کفش بارکرسفی، بود که در قلعه‌ای بر سر کوه اردهال زندگی می‌کرد. زرین کفش پیغامی به ازرق، والی قم، می‌فرستد و او را از نیروی فزاینده شیعیان و گرایش مردم به سلطانه‌لی آگاه می‌کند. ازرق با شنیدن خبر، پیکی را به سوی زرین کفش می‌فرستد و سر بریده آن حضرت را از او طلب می‌کند. زرین کفش پس از دریافت حکم ازرق، با مشورت حکام محلی - از جمله زیر نراقی و ارقم - با حيله‌ای سلطانه‌لی علیه السلام را به بارکرسف دعوت و با سپاه خویش محل اقامت آن

حضرت را محاصره می‌کند. آن حضرت خیمه‌ها را جمع نمود و به سمت خاوه حرکت کرد که در محلی به نام «در بند آژناوه» با حمله سپاه زرین کفش مواجه شد و دهه اول پاییز را به جنگ با او پرداخت. زرین کفش راه‌های ارتباطی را بسته بود تا مردم فین و چهل حصاران از جنگ باخبر نشوند. شازده حسین و سلطان محمود، عمو و برادر سلطانعلی علیه السلام، از جمله پیک‌هایی بودند که در راه فین گرفتار و شهید شدند.

سلطانعلی علیه السلام و همراهانش با سپاه دشمن جنگ نموده، رشادت‌های زیادی از خود نشان دادند. سرانجام زرین کفش با نیرنگی فرستادن زنان به میدان جنگ، سلطانعلی علیه السلام را ناگزیر به عقب‌نشینی از جبهه جنگ نمود. حضرت سلطانعلی علیه السلام در حال نماز و دعا بود، که زرین کفش حمله کرد و وی و عده‌ای از یارانش را به شهادت رساند. دو روز پس از آن، خبر شهادت سلطانعلی به فینی‌ها رسید. آنان پای پیاده و سواره، با بیل و چوب و چماق، به سوی دشت اردهال راه افتادند و او را در روز سوم شهادتش غسل دادند. در چگونگی غسل حضرت سلطانعلی، دو روایت در میان مردم وجود دارد. به روایتی، فینی‌ها پیکر امامزاده را در یک تخته قالی می‌گذارند و به سر جوی آبی که اکنون به نهر شازده حسین معروف است، می‌برند و غسل می‌دهند. بعد پیکر او را تا سر تپه کنونی تشییع می‌کنند و در آنجا به خاوه‌ای‌ها می‌دهند تا به خاکش بسپارند. به روایتی دیگر، به علت این‌که پیکر امامزاده پاره‌پاره و بی‌سر و خونین بود، او را بی‌آن‌که غسل بدهند روی قالی می‌گذارند و به سر تپه می‌برند و در محل کنونی دفن می‌کنند. بعد قالی آغشته به خون امامزاده شهید را با آب جوی می‌شویند.

فینی‌های داغدار، سپاه دشمن را تعقیب نموده، خونخواهی کردند و با خود

عهد بستند تا روز قیامت در سالگرد غسل قالی، که در یازدهم یا سیزدهم یا هفدهم مهرماه رخ داد، این عمل را به صورت نمادین تکرار نمایند.

### معنای پنهان مناسک

در این بخش سعی شده است با روش تفهیمی به زوایایی پرداخته شود که کنشگران بدان توجه نداشته یا کمتر به زبان آورده‌اند؛ زوایای ناپیدایی که قبلاً نیز توسط محققان بدان پرداخته شده است. در این زمینه، تفاسیر انسان‌شناختی جلال آل احمد (آل‌احمد، ۱۳۴۴) و در دوران اخیر، تفاسیر محققان بلوک‌باشی قابل ذکرند. ویژگی تحلیل ما از پدیده، پرهیز از مستندات تاریخی و ابعاد کلامی آن است و صرفاً به بُعد انسان‌شناختی در مواجهه با پدیده جهانی شدن ارتباطات اختصاص دارد. اگر به مدل ارائه شده در ابتدای مقاله برگردیم، سه عنصر فرهنگ، مخاطب و متن را ملاحظه می‌کنیم که سازه معنا را ایجاد می‌کنند. در این مقاله، این عناصر و نقش آنها در جهان‌پدیداری مناسک قالی شویان نقد و بررسی می‌شود.

پدیده قالی شویان در یک متن جغرافیایی بسته‌ای به وقوع می‌پیوندد، که قبل از پیدایش ارتباطات جدید، احتمالاً یک حوزه جغرافیایی را تشکیل می‌داده است. ارده‌ها در دشتی به درازای حدود ۱۶ و پهنای ۴ کیلومتر کشیده شده است. چهار سوی دشت را کوه و تپه‌های اطراف فراگرفته است. مرقد شریف حضرت سلطانعلی بر فراز کوه مقدس ارده‌ها، همچون نگینی است که زیننده این حلقه مرزی است و به عنوان امام، منطقه آسمان را به زمین می‌دوزد. با رویکرد تفهیمی می‌توان حدس

زد که زیارتگاه ارده‌ال، قدمت دیرینه داشته و از دیرباز، زیارتگاه منطقه‌ای بوده است.

فاصله ارده‌ال با فین یعنی فاصله‌ای که بستوان با پای پیاده و با تحمل زحمت یک روزه آن را طی نمود، برای یک زیارتگاه منطقه‌ای و انجام مناسک سالیانه، فاصله متناسبی است، نه چندان دور که غیر قابل دسترس باشد و نه چندان نزدیک که نقش مزار بودن را از دست بدهد. از این رو، برای فینی‌ها حفظ حرمت امامزاده، به لحاظ ساختار مکانی متناسب بوده و می‌تواند ملجأ کسانی باشد که از زیارت شهید کربلا محرومند. امام صادق علیه السلام فرمود: «ثواب زیارت برادرم، حضرت سلطانعلی علیه السلام، مانند زیارت جدّم حسین علیه السلام است و هر که قدرت طواف اجداد عالی مقام مرا ندارد، بگو برود در بارکس (بارکرسف) و برادرم، سلطانعلی علیه السلام، را طواف کند که ثواب طواف ایشان است.» (زجاجی مجرد،

۱۳۷۷، ص ۸۲)

یکی از جنبه‌های فرهنگی اهالی منطقه، این است که شیعه دوازده امامی‌اند و با اسطوره امام حسین علیه السلام زودتر از سایر مناطق ایران آشنایی دارند. پیدایش الگوی شبیه الگوی امام حسین علیه السلام در منطقه برای اهالی منطقه مغتنم بوده و بازسازی این الگو بر اساس الگوی شهادت امام حسین علیه السلام می‌تواند نقش هویت‌دهی داشته باشد و تداوم آن را تضمین نماید. بلوک‌باشی ضمن ارائه عناصر مشترک و مشابه حماسه کربلا و شبه حماسه ارده‌ال، نتیجه می‌گیرد که «واقعه شهادت حضرت امامزاده سلطانعلی در واقع، یک انگاره فرهنگی و زمینه تمثیلی از روایت واقعه شهادت حضرت امام حسین علیه السلام در کربلاست.»

### عناصر مشترک و مشابه حماسه کربلا و شبیه حماسه اردهال\*

روایت واقعه کربلا	روایت واقعه اردهال
نامه نوشتن کوفیان به امام حسین و فرستادن آن با دو پیک	نامه نوشتن فینیان به امام محمد باقر <small>علیه السلام</small> و فرستادن آن با دو پیک
برافراشتن خیمه در صحرای کربلا	برافراشتن خیمه در صحرای اردهال
شهادت امام حسین در ظهر جمعه دهم محرم	شهادت حضرت سلطانه علی در ظهر جمعه دهم پاییز
نماز خواندن امام حسین <small>علیه السلام</small> پیش از شهادت	نماز خواندن حضرت سلطانه علی پیش از شهادت
بریدن سر امام حسین <small>علیه السلام</small> و فرستادن آن به دارالخلافه یزید	بریدن سر امامزاده سلطانه علی و فرستادن آن به دارالسلطنه قزوین
دفن سر امام حسین <small>علیه السلام</small> در دمشق یا کنار پیکرش در کربلا	دفن سر سلطانه علی در قزوین یا کنار پیکرش در اردهال
خاک سپاری پیکر امام حسین <small>علیه السلام</small> سه روز پس از شهادت	خاک سپاری پیکر امامزاده سه روز پس از شهادتش
حمل پیکر امام حسین <small>علیه السلام</small> با بوریا و بی غسل به خاک سپردن آن	حمل پیکر امامزاده با قالیجه و بی غسل به خاک سپردن آن
بی وفایی کوفیان	به موقع نیامدن فینیان به شهادتگاه و وفانکردن نسلجی‌ها به قولشان
توبه کوفیان	توبه نسلجی‌ها و کله اری‌ها
خونخواهی کوفیان و کشتن قاتلان امام حسین <small>علیه السلام</small> و یارانش	خونخواهی فینیان و خواه‌ای‌ها و کشتن قاتلان امامزاده و یارانش
نشانه گذاشتن روی گور امام حسین <small>علیه السلام</small> به دست فرزندش، امام زین‌العابدین	نشانه گذاشتن روی گور امامزاده به دست عموزاده‌اش، غیاث‌الدین
گرد آمدن قبیله بنی‌اسد با بیل و کلنگ در کربلا و برپا کردن مراسم سالگرد در روز سوم شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small>	گرد آمدن طایفه فینی با چوب و چماق در اردهال و برپا کردن مراسم سالگرد امامزاده در روز سوم شهادتش

در ایران شیعی، علاوه بر فرهنگ شیعی، ته نشست‌هایی از فرهنگ ایرانی وجود دارد که با فرهنگ شیعی تناسب دارد. به گمان برخی محققان، همین تناسب ایران را به سمت پذیرش قرائت شیعی از اسلام سوق داده است. (آلگار، ۱۳۶۰، ص ۲۷) در این ته نشست فرهنگی، یک عنصر مهم یعنی گرایش به تمایز بین حق و باطل وجود دارد که نیکی آر. کدی از آن با عنوان ثنویت‌گرایی نام می‌برد. ایرانی‌ها از دیرباز جهان را به صورت سیاه و سفید می‌بینند، نه خاکستری و «اعتقاد به ثنویت و دوگانگی خیر و شرّ به قدمت آیین زرتشت، مانوئیّت و یک سلسله بدعت‌های معروف، ناظر بر دوگانگی خیر و شرّ است و محور آن ادبیات معطوف به [امام] حسین علیه السلام می‌باشد که به دستور خلیفه شروبر اموی به قتل رسیده است». (کدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۵)

مناسک قالی در محتوای اسطوره‌ای و کارکرد هویتی‌اش، این اعتقاد را متبلور می‌کند. در زمان حضرت سلطانعلی، جمعیت منطقه دوگروه بودند. حاکم منطقه، به مثابه عمر سعد و حاکم قزوین به مثابه یزید بود. پیروان امامزاده و یاری دهندگانش همچون اصحاب امام حسین علیه السلام بودند که در دشت ارده‌ال به عنوان اقلیت حق، در برابر اکثریت باطل به شهادت رسیدند. این باورداشت دیرین به ثنویت، همواره دنبال مصداق یابی و فرافکنی است؛ یعنی عینیت بخشیدن به حق و باطل در هر عصر متناسب با تفسیر پیروان که با تکنیک بریکولاژ (Bricolage) صورت می‌پذیرد. این نظریه به معنای پدید آوردن خلاقانه معنا از طریق به کارگیری عناصر گفتمانی پیشین است. به عقیده کلارگ، بریکولاژ عبارت است از: «تنظیم مجدد و قرار دادن اشیاء در یک زمینه جدید به منظور ارسال پیام یا معنای جدید». (شهابی، ۱۹۷۶، ص ۱۷۷)

مردم منطقه فین و خاوه، با بهره‌گیری از عناصر گفتمانی مندرج در اسطوره شهید ارده‌ال، بیگانه‌ها را تعیین می‌نمودند. زمانی که اهالی منطقه به تشیع

نگریده بودند، پیروان اهل سنت جزء بیگانه‌ها و مصداق زنده‌لُعن به قاتلین امامزاده بودند. پس از گروش اهالی منطقه به تشیع در پانصد سال اخیر، بیگانه‌سازی معطوف به هویت قومی و قبیله‌ای گردید. اهالی فین و خاوه به سبب حمایت از امامزاده به خود می‌بالیدند و اهالی برخی از مناطق دیگر را به اتهام عدم حمایت یا دشمنی با شهید ارده‌هاال تحقیر می‌نمودند.

میان اهالی فین و خاوه بر سر سهم‌خواهی از امتیازات معنوی حمایت از امامزاده، همواره اختلاف وجود داشته و هنوز هم تا حدودی وجود دارد. فینی‌ها می‌گویند: اجداد ما با چوب و چماق به حمایت شهید ارده‌هاال آمدند، خاوه‌ای‌ها چوب به دست نبودند. در برابر، خاوه‌ای‌ها مدعی‌اند که اهالی فین دیر رسیدند ولی اجداد خاوه‌ای‌ها در جنگ حق علیه باطل مشارکت داشتند.

تمایز بین «ما و دیگران»، از عناصر اصلی هویت است و بدون این تمایز هویت‌یابی معنا نخواهد داشت. به موجب قاعده‌ای طبیعی، همواره دارندگان یک هویت، دشمنان خود را از همسایگان انتخاب می‌کنند. بنا بر فرض رایج و مستتر در ادبیات علوم اجتماعی، با پیدایش ارتباطات جهانی، مرز همسایگی از بین خواهد رفت. از این رو، ممکن است گروه هویتی، در دشمن‌سازی (دیگران) و به تبع آن، حفظ هویت خود دچار مشکل بشود. فرض رقیب این‌گونه بیان می‌دارد که با تضعیف شدن عناصر بومی، زبانی و قبیله‌ای هویت، ممکن است عنصر مذهبی هویت تقویت شود؛ زیرا هویت، یک نظام همبسته فطری است و با ضعیف شدن برخی از عناصر آن، عناصر دیگر تقویت شده، اصل نظام را حفظ می‌کند. (تامپسون، ۱۳۸۰، ص ۲۳۹) به گفته اسلامی ندوشن؛ یک نقطه مرموز در کل تاریخ ایران به رغم گوناگونی هویتی، تداوم «مشی ایرانی» است که با نیروی نو شدن و «بازآفرینی بر حسب مقتضیات» تضمین می‌گردید و بدون آن که اصل «مشی» تغییر یابد، ظواهر تغییر می‌گردد. ما از این فرآیند با عنوان «بریکولاژ» نام

بردیم. (تاجیک، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹-۹۷)

با مطالعه موردی مناسک قالی شویان در می‌یابیم که اهالی منطقه با بهره‌گیری از تکنیک «بریکولاژ»، در برابر پدیده جهانی شدن ارتباطی، واکنش نشان داده، نظام معنایی نوینی را تولید می‌کنند که شواهد آن [دال‌ها] در ذیل ذکر می‌شود. در سال‌های اخیر، اختلاف قبیله‌ای کاهش یافته و یک نوع هویت جامع منطقه‌ای شکل گرفته و غیریت را به یک دشمن مبهم و سیال جهانی معطوف ساخته است. یک جوان «فینی» که خود را نوکر سلطانه‌ی معرفی می‌کند، می‌گوید: می‌دانم خیلی‌ها رفتارهای ما را بی‌معنا و پوچ می‌دانند؛ زیرا اینها درک نمی‌کنند، اینها چه می‌دانند عاشق حسین بودن یعنی چه؟ این چوب، ناموس ما است... با این چوب‌ها ان‌شاء‌الله از آقا امام زمان (عج) استقبال خواهیم کرد... ما (اهالی منطقه) اول از همه شیعه شدیم و ان‌شاء‌الله اول از همه از آقا حمایت خواهیم کرد.

جوان دیگری که موبایل خویش را از گردن آویخته، در پاسخ به این‌که آیا شما فکر نمی‌کنید در عصر ماهواره و اینترنت، چوب به دست گرفتن دیگر کهنه شده است؟ در حالی که موبایل خود را از گردن خود در آورده و به جیبش می‌گذارد، می‌گوید: همه جهان بدانند، تا دنیا هست این مراسم نیز هست. ما به چوب برداشتن خود افتخار می‌کنیم. فینی هر کجا باشد سعی می‌کند خودش را «جمعه قالی» به مشهد برساند. همین امروز یکی از دوستان می‌گفت: یک فینی از آمریکا زنگ زده بود، گریه می‌کرد که امسال به مراسم نرسیده است. هر فینی هر کجای دنیا باشد دلش در مشهد اردهال است. دشمنان نمی‌توانند مراسم ما را تضعیف کنند.

در سال ۱۳۸۴، بعد از سخنرانی واعظ، مجری با اعلان آدرس اینترنتی\* گفت: در سال گذشته (۱۳۸۳)، ۶۰ میلیون تومان اعانه از محل نذورات و کمک‌های



مردمی به مشهد اردیبهشت جمع شده، در حالی که در ۶ ماهه اول امسال ۱۱۷ میلیون تومان کمک شده است و الحمدلله در سال‌های اخیر، سال به سال پررنگ‌تر می‌شود. مصاحبه شونده‌گان عمدتاً از پاسخ به سؤال‌های مربوط به اختلاف محلّی طفره می‌رفتند؛ حتی در یک مورد، یکی از ناظران، از مصاحبه‌ما با یک فرد از اهالی نراق دربارهٔ اختلاف فین و خاوه ممانعت به عمل آورد و گفت: آقا این حرف‌ها قدیمی شده‌اند و اصولاً مهم نیستند. همه ما ارادتمند آقا سلطانعلی علیه السلام هستیم.

مجریان مناسک در عصر ارتباطات به سطح بالایی از آگاهی رسیده و جهت دفاع از هویت خود، بدون این‌که با واژگان آکادمیک آشنایی داشته باشند، به کلام جدید مجهز شده‌اند. یکی از مصاحبه شونده‌گان با افتخار به سمت پرچم زدن در دستگاه آقا سلطانعلی به مدت ۳۰ سال از عمرش، می‌گفت: ما معجزات آقا را تجربه کرده‌ایم. من سال گذشته پایم زیر آهن ماند و کم مانده بود قطع بشود. گفتم: آقا من سال بعد باز هم می‌خواهم پرچم بزنم، آقا مرا به طرز معجزه آسایی شفا داد. به اینهایی که می‌گویند آدم باید تجربه کند، ببیند تا باور کند، بگوید ما تجربه کرده‌ایم.

یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان می‌گوید: کاشان در این روز خالی است. هیچ کس در آنجا نیست. تاکنون ما نشنیده‌ایم خانه کسی را دزد ببرد... هر کسی به این مراسم توهین کند، چوبش را می‌خورد. وی در پاسخ به این سؤال که آیا دیگران حق ندارند چوب به دست بگیرند، گفت: اگر چوب برداشتن اختصاصی نمی‌شد این مراسم دیگر فینی نبود، وانگهی نمی‌توانست دوام بیاورد... آن تعصبی که ما به این چوب‌ها داریم دیگران ندارند.

(اختصاص ← تمایز ← هویت ← تداوم)

با ملاحظهٔ بخش‌هایی از مصاحبه‌ها و مشاهدات که به صورت اجمال و

گزینشی درج شد، می‌توان به این نتایج رهنمون شد:

۱. با رسانه‌ای شدن جهان، مناسک قالی شویان نه تنها تضعیف نشده، بلکه در سال‌های اخیر تقویت شده است؛
  ۲. آمار تماشاگران افزایش یافته و در سال گذشته به گزارش منابع مختلف به ۲۰/۰۰۰ نفر بالغ گشته است؛
  ۳. همزمان با اینترنتی شدن اطلاع‌رسانی، ساخت و ساز در محیط امامزاده به صورت فزاینده شتاب گرفته است؛
  ۴. خودآگاهی اعضا بالا رفته و آمادگی دفاع هویتی در میان جوانان بیشتر شده است؛
  ۴. غیریت به دشمن فرضی و مبهم معطوف گشته و مفهوم «ما» گسترش پیدا کرده است؛
  ۵. اختلاف بین قومی تقلیل یافته و به دشمنان دوردست که از طریق رسانه‌ها سمت همسایگی پیدا کرده‌اند، انتقال یافته است.
  ۶. این گونه دگرگونی‌ها نشانگر همسازی نظام معنایی مناسک با تغییرات محیطی، در راستای حفظ هویت و اصالت است.
- مطالعه جنبه‌های حاشیه‌ای مناسک نیز توان همسازی مناسک با تغییرات محیطی را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، گزارش‌های تاریخی نشانگر رونق داشتن بازار هفتگی در سال‌های گذشته است. بر حسب گزارش جلال آل احمد در سال ۱۳۴۳، که مردم عمدتاً از چارپایان برای حمل بار استفاده می‌کردند، در حاشیه مراسم، بازار پررونقی وجود داشت. (آل احمد، ۱۳۴۴، ص ۷۱) امروزه با پیدایش وسایل حمل و نقل ماشینی و سهولت ارتباط با شهر، این بازار از رونق افتاده است. در سال گذشته، بازار حاشیه مراسم به نظر می‌رسید بقایای سنتی یک بازار قدیمی است و جنبه اقتصادی ندارد. در آنجا، دست فروشان، «نی»،

«ساعت»، «لوازم سفالی»، «اسباب بازی» و... می‌فروختند. در برابر، حاشیۀ توریستی مراسم با فزونی وسایل ارتباطی افزایش یافته است. تعداد کسانی که صرفاً با رویکرد توریستی در مراسم شرکت کرده بودند زیاد بود. در معرض «توریسم» قرار گرفتن نیز نه تنها جنبه «هویتی» مناسک را تضعیف نمی‌کند، بلکه نسبت به کنشگران، جنبه هویت بخشی دارد.

### نتیجه

اگر پدیده «قالی شویان» را یک نظام معنایی در نظر بگیریم که پیام اولیه آن یعنی شهادت فرزند امام محمد باقر علیه السلام در منطقه اردهال است، امروزه خودش به یک پیام تبدیل شده است. این نظام معنایی به وسیله متن ایرانی (محیط جغرافیایی و فضای تاریخی) از یک سوی و فرهنگ (شیعی - ایرانی) از سوی دیگر در برهمکنش با مخاطبان (اهالی منطقه فین علیا و سفلی...) شکل گرفته و سال‌های متوالی تداوم یافته است. مخاطبان فعال در اعصار متمادی، اصول را حفظ کرده و مطابق با تغییرات محیطی به آن معنا بخشیده‌اند. این نظام معنایی نه تنها در عصر ارتباطات تضعیف نگشته، بلکه تقویت شده و عناصر هویتی مناسک، مستمسک جهانی پیدا کرده است. به لحاظ اسطوره تاریخی، مناسک قالی شویان بیشتر با اسطوره شهادت امام حسین علیه السلام تقویت گردیده و به لحاظ الگوی آرمانی، با مهدویت پیوند خورده و به لحاظ هویتی، جنبه دینی و باوری آن تقویت شده است؛ زیرا دین، هویت بخش فرازمان و فرامکان است. به نظر می‌رسد تکنولوژی مدرن نتواند چوب‌های تراشیده شده را از دست فینی‌ها بگیرد.

## منابع

۱. آل احمد، جلال، مهرگان در مشهد اردهال، اردیبهشت ۱۳۴۴، اندیشه هنر: دوره ۵، شماره ۶.
۲. الگار، حامد، انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۰، ترجمه: فؤاد شاکر و حسن چیذری، تهران، قلم.
۳. بلوک‌باشی، علی، قالی‌شویان (مناسک نمادین قالی‌شویی در مشهد اردهال)، ۱۳۸۱، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ سوم.
۴. تاجیک، محمدرضا، روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان، ۱۳۸۴، تهران، فرهنگ‌گفتمان، چاپ اول.
۵. توفیق، محمد مهدی، شهید اردهال، ۱۳۷۶، قم، پیام مهدی.
۶. خان محمدی، کریم، جامعه اطلاعاتی و دین، مجله رسانه، شماره ۶۲.
۷. داوری، رضا، جهانی‌سازی، فصلنامه کتاب نقل، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، سال ششم، شماره ۲۴ و ۲۵.
۸. زجاجی مجرد کاشانی، مجید، حماسه تاریخی مشهد اردهال، ۱۳۷۷، تهران، نشر سبحان، چاپ اول.
۹. سلمانی آرائی، حبیب‌الله، شهید اردهال، ۱۳۸۲، انتشارات مرنجاب.
۱۰. شهابی، محمد، جهانی شدن جوانی، خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن، ۱۹۷۶ م، مطالعات جوانان، سال اول، شماره ۳-۴، منسوب به کلارک.
۱۱. کدی، آر، نیکی، جرایب انقلابی شدن ایران: بهار ۱۳۷۸، فصلنامه متین، سال اول، شماره دوم.

12. Kendall, Diana, *Sociology in Our Times*, 2000, USA.